

کانون وکلا

سال پنجم

مهر و ابان ماه ۱۳۴۲

شماره ۴۴

گمود سرشار

بقیه از شماره قبل

قسمت سوم

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

پیدایش خط و عوامل آن

چه عواملی اسلوب خط را تشکیل میدهند

جعل چیست و برای کشف آن چه باید کرد

بطوریکه وعده دادیم که در خصوص عوامل مختلفه جعل : خط - کاغذ - قلم و مرکب بحث کنیم در شماره های قبل برای تشحیذ ذهن خوانندگان محترم بشرح پیدایش خط و کاغذ و تاریخچه آن و طریقه کشف جعل بوسیله این دو عامل مهم پرداخته اینک به بحث تاریخچه و مقام قلم و نقشیرا که در قسمت جعل بازی مینماید خواهیم پرداخت تا خوانندگان گرامی با کسب اطلاعات وسیعه بتوانند با مرتکبین این قبیل جرائم که ایجاد بزرگترین تزلزل و اختلال را در حیات فردی اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی ، مالی ، اداری و اخلاقی مینمایند مبارزه کرده و در تعقیب و کشف آن سعی و کوشا باشند .

پیدایش قلم و مقام آن

آلات و ادواتی که جهت ترسیم خط استعمال میشد به مقتضای موادیکه روی آن مینوشتند فرق میکرد .

همه کس میدانند که عده بیشماری از کتیبه ها در قدیم روی سنگ تفر شده بود و مفرغ را برای تنظیم مقاوله نامه ها و عهود سیاسی بکار می بردند و اغلب از احکام و مرخصی های سربازان با قلم روی مفرغ حک میشد و برای آنان قرائت مینمودند که از مزایای آن استفاده نمایند و این عمل بوسیله قلمهای محکم آهنی انجام میگرفت و با همین آلات و ادوات هم روی چوب مثبت کاری میکردند .

ایوب که یکی از انبیاء بنی اسرائیل است یگانه آرمان و آرزویش این بود که یک قلم حکاکی یا وسیله پیدا کند که شدائدی را که در دوره زندگانی خود تحمل نموده با شکر و سپاسگذاری از خداوند روی سنگ حک نماید و عین سخنان او که در تورات کتاب ایوب باب ۱۹ در آیات ۲۳ - ۲۴ و ۲۵ مندرج است ذیلاً نقل میکنیم :

**ای کاش سخنانم نوشته میشد . و ای کاش درجائی ثبت می گردید
و باقلم آهنین و سرب بر صخره ها تا به ابد کننده میشد .**

شرح این بیانات ناشی از این واقعه است که ذیلاً شرح داده میشود .
ایوب در سرزمین عوص میزیست و دارای هفت پسر و سه دختر بود ثروت او عبارت از ۷۰۰۰ گوسفند و ۳۰۰۰ شتر و ۵۰۰ زوج گاو و ۵۰۰ رأس الاغ بود و خدام و کارگران زیاد داشت .

روزی خدا به شیطان گفت کجا میروی شیطان پاسخ داد به زمین برای سیر و تماشا میروم .

خداوند گفت در روی زمین بنده از ما وجود دارد که در عالم نظیر او پیدا نمیشود ما بنده مانند ایوب نداریم مردیست کامل و از ارتکاب گناه و منهیات اجتناب میکند . شیطان گفت کلیه اعمال او بر پایه سود میباشد و اگر اموالش را بگیرد دست از اطاعت تو خواهد کشید و به کفر و ناسزا خواهد پرداخت .

خداوند برای اینکه بشیطان بفهماند که راه اشتباه را میپیماید ایوب را در آزمایش قرار داد و شیطان گفت از این ساعت همه اموالش در دست تست شیطان بزمین آمد و شروع به شیطنت نمود روزی به ایوب خیر دادند که سایبان تمام گوسفندها و شترها و گاوها و الاغهای تورا دزدیده و تلف نموده اند دیگری به ایوب خبر داد که طوفان تمام بنا و خانه ات را خراب کرده و ساکنین آنرا تلف نموده و برای توجیزی باقی نگذاشته چند روز بعد ایوب رنجور شد تمام بدن او از دمل پوشیده شده و گرم گذاشت و در خاکستر و پهن با حال پریشان ورنج زندگانی می کرد تمام ناظرین از این پیش آمد متأثر شده و تحمل عقوبت او را نمیکردند و از او دوری مینمودند ولی در ایمان ایوب بهیچوجه خلل و نکسی وارد نیامد و در همه احوال خدا را شکر کرده و سجده مینمود و باطرافیان خود که او را استهزا مینمودند میگفت **برهنه از رحم مادر بیرون آمده ام و برهنه به آن دنیا خواهیم رفت خداوند داد و خداوند گرفت .**

زنش او را ملامت مینمود که چرا از خدمت خدا دست نمیکشی باو پاسخ داد **چرا مانند ابلهان سخن میگوئی آیا نیکوئی را از خدا بیاییم و بدی را نپاییم .** باری در مقابل تمام مصائب و متاعب و تمسخر و استهزاء از اطاعت و شکر گذاری غفلت و سرپیچی ننموده و در عالم یگانه فردی است که بقهرمان صبر و تحمل شدائد معروف است .

خداوند پس از این آزمایش چندین برابر ثروت اولیه مال و منال و حشم و خدم باو داد و ۱۴۰ سال زندگانی نمود و اولاد خود را تا چند پشت هم دید .

در قرآن مجید هم در سوره انبیاء آیه ۸۳ و ۸۴ اشاره باین موضوع فرموده است که ذیلاً درج میشود .

و ایوب اذنادی ربه انی مثنی الضر وانت ارحم الراحمین .
فاستجبنا له فکشفنا ما به من ضر و آئیناه اهلله و مثلهم معهم رحمة من عندنا و ذکر للعابدین .

که ترجمه اش این است - وقتی که ایوب بانگ برآورد که خدایا بدبختی و فلاکت سرا پایم را فرا گرفته ولی تو در رأس رحم کنندگان قرار گرفته ای و رحم تو نامتناهی است تقاضای او را اجابت کردیم و تیره بختی را از او برداشتیم و خانواده و اموالش را به او دادیم تا مشمول رحمت ما شود و سر مشق و دستوری برای خدا پرستان بوده باشد .

سولون (Solon) مقنن آتنی که در عداد علمای سبعة بشمار میرود و در ۶۴۰ تا ۵۵۸ قبل از میلاد مسیح میزیست و کمک بزرگی بانکار ملی آتنیها نموده بود روی چوب کلیه قوانین او را با قلم آهنی کنده اند که فعلاً موجود است .
قدما روی تخته های موم آلود با سیله های هفت جوش یا نقره و استخوانی مطالب خود را می نوشتند .

این عمل سوابق بسیاری دارد در تورات کتاب پادشاهان باب ۲۱ مسطور است که یهوه خدای اسرائیل میگوید بر اورشلیم بر سهان سامره و ترازوی خانه آخاب را خواهم کشید و اورشلیم را پاک خواهم نمود بطوریکه تخته های موم آلود را پاک مینمودند .

یونانیها بنا بحکایت هردوت (Hérodote) و دمستن (Démosthène) روی لوحه های چوب موم آلوده شده با قلم مینوشتند .

نویسندگان رومی هم با قلم روی همین تخته ها بعنوان پیش نویس نوشته و بعد روی کاغذ پاپیروس و کاغذ پوستی یا پارشمن نقل مینمودند .

در قرون وسطی کلیه فردها و سیاهه ها بهمین نحو عمل میشد .
در کتابخانه ملی پاریس لوحه ها و تخته های موم آلود شده که با قلم نوشته شده است نگاهداری نموده و این قبیل تخته ها متعلق بدوره فیلیپ لوبل (Philippe le Bel) میباشد .

در همان موقعی که حروف و کلمات را روی سنگها و فلزات و چوبها با قلم های آهنین حک مینمودند با مرکب نیز روی تخته هایی که با سفیداب سفید شده بود نوشته و روی عاج و پوستهای دباغی شده و پارچه و کاغذ بوسیله قلم نی و مرکب می نوشتند .
هندیها با چوب خیزران قلم درست کرده و کلیه تجربات خود را با آن انجام میدادند .
مصریها قلم نی و قلم مو را برای نوشتن استعمال میکردند .

رومیها و یونانیها استعمال قلم نی را از مصریها اقتباس کرده بودند زیرا این نی ها در سواحل رود نیل می روئید و در حجاری های کلیه ابنیه مصریهای قدیم هم مستوفیان و دبیرانی دیده میشوند که قلم نی در دست داشته و در عداد ارباب قلم بشمار میروند

در موقع کاوش هرکولا نوم (Herculanum) و پمپئی (Pompei) قلمهای نی تراشیده شده پیدا شده که فعلاً در موزه ناپل موجود است.

در رم و یونان قلم نی را تراشیده با مرکب غلیظ آغشته نموده روی کاغذ ترسیم مینمودند و آنرا کالام (Calame) و کالاموس اسکرپت توریوس (Calamus scriptorius) می گفتند زیرا از محصول نباتی است که در گیاه شناسی از خانواده کالاماریه یا نباتات قلمی میباشد که نوع مهم آن کالامیت بوده و این قبیل نباتات در اراضی لم یزرع و باطلاتی میروید و هر جا این نیها میروید اطراف آن معدن زغال سنگ وجود دارد. و لفظ قلم که فعلاً واژه عربی است از همین لغت رومی قدیم اقتباس شده و همین قلم نی است که در شرق استعمال نموده و تا قرن پنجم میلادی بومیله نویسندگان رومی و یونانی کلمه قلم در نوشتجات اشاره شده است.

در ایران و افغانستان و کشورهای عربی و ترکیه و هندوستان همین قلم نی استعمال شده و میشود.

تهیه قلم نی در ایران از نی های مخصوصی است که در بیشه ها و باطلاحهای اطراف خلیج فارس و رودخانه کارون در اهواز و کرخه در شوشتر و دزفول میروید و بوسیله ریشه تکثیر میشود که هم شکارگاه مرغابی است و هم کانون مرض مالاریا. این نی از قدیم الایام اختصاص بقلم معروف به قلم نی داشته و قطر ساقه های تحتانی آن حد اکثر تا یک و نیم الی دو سانتی متر میرسد و برخلاف نی های محصول مازندران و باطلاحهای شهریار و یا حدود باطلاحهای اصفهان که صرفاً برای پوشش باهما بکار میروند دارای مغز است و برای تهیه قلم نیزه های ساقه را که حد اکثر دارای ۵ بند تا ۱۰ بند است و البته قسمت تحتانی آن پر مغز و رسیده و بالای آن کم مغز و پولک تر است قطع میکنند و آنها را شش ماه در زیر پهن گرم میگذارند تا رنگ بیندازد بعداً آنرا به بازار می برند.

این محصول از صادرات مهم ایران در بازارهای هندوستان و ممالک عربی بود ولی در این بیست سال اخیر تقریباً از بین رفته بود فعلاً قیمت آن در لوازم التحریر فروشی گران شده ولی یکسال است مجدداً این کار رواج گرفته است.

قط قلم و تقسیمات آن بدانگ بسته به قطر خود قلم است یعنی هر قلمی به تناسب قطر خودش شش دانگ است که پهنای آن با تراش اطراف میدان قلم کمی کمتر از قطر است تا نصف و ثلث و ربع آن میشود و به نیمدانگ و ربع هم میرسد که خیلی ریز است. تراشهای معروف عبارت است از قلم غبار و جادو که ریز ترین تراش قلم است و قدما با آن خط می نوشتند و وجه تسمیه جادو از این لحاظ است که هم تراش و هم فاق آن (شکافی که در وسط قلم میدهند تا مرکب را به تعادل به سر قلم برساند) و هم نوشتن با آنرا کار سحر آمیز و مشکل میدانستند قلم ریز تحریری و قلم کتابتی و مشقی است که با آن خط درشت مینویسند.

بعد از آن قلم پارواست که یا با نی های بزرگ یعنی نی های پوشش در قسمت

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

در اواسط قرن ۱۸ سر قلم فلزی بوسیله یک فرانسوی موسوم به ژ. آرنو (J. Arnaud) اختراع شد و بعد استعمال آن عمومیت یافت.

چون در اروپا پر قاز زیاد بود اغلب با پر قاز مینوشتند ولی بعلت اینکه رفع نیاز مندیهای آنان را نمی نمود قلم فلزی را اختراع کردند .

قلم فلزی در بیرمنگام (Birmingham) و شفلید (Sheffield) در بادی امر ساخته شد و تولید آن در آغاز کار به ۱۴,۱۱۲,۰۰۰ میرسید.

امروز قلم های خود نویس که دارای مخزن مرکب و جوهر از خود میباشد اختراع شده است و دارای مارکهای مختلف بوده و طوری این اختراع تعمیم پیدا کرده که به عمر کلیه قلمها خاتمه داده است و این اختراع کمک بزرگی به کشف جعل نموده است .

در قرآن مجید کتاب مقدس مذهبی ما سوره مخصوصی بنام قلم وجود دارد و خداوند متعال مقام قلم و مرکب و دوات و کتاب را که پایه و اساس آموزش و پرورش است به مقامی رسانیده که در مقام قسم آن را یاد نموده است و در سوره ۶۸ تحت عنوان قلم آیه اول میفرماید :

ن و القلم و ما یسطرون

قسم بدوات و قلم و آنچه را که مینویسند یعنی کتاب و سایر نوشتجات .
ن در زبان عربی بمعنی دوات آمده است چنانچه یکی از شعراء میگوید :

اذا ما الشوق برح بی الیهم اقلت النون بالدمع السجام

وقتی که شوق ایجاد اندوه در آنها میکنند میریزد دوات با اشکهای چشمی که جاری است .

و در سوره العلق (۹۶) در آیات اول و دوم و سوم و چهارم و پنجم کاملاً مقام قلم را شرح میدهد و این سوره در جبال حرا به حضرت رسول اکرم ص در بادی رسالت وحی و نازل شده باید در اول قرآن مجید قرار گیرد ولی در موقع تلقین آنرا در عداد نود و ششمین سوره قرار داده اند .

اقراء باسم ربك الذی خلق الانسان من علق و ربك الاکرم الذی علم بالقلم علم الانسان ما لم یعلم

بخوان بنام خدائی که انسان را از حیوانات منویه خلق نموده است بخوان بنام خدائی که سرآمد بخشندگان است که بکار بردن قلم را بانسان یاد داده و با پرتو دانش نادانی و جهالت را از او زدوده است .

اگر باین سوره توجه شود خلقت انسان از طرف خداوند کرم و بخشش بوده ولی تعلیم بکار بردن قلم بزرگترین کرامت و بخشندگی است و برای همین است که لفظ اکرم استعمال شده است .

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

در این دوسوره قلم بصورت مفرد استعمال شده ولی در دومورد دیگر که ذیلاً شرح میدهم بصورت جمع درآمده است
در آیه ۲۶ از سوره لقمان میفرماید

ولو ان مافی الارض من شجرة اقلام والبحر یمد من بعده سبعة ابهر
بما تعدت کلمات الله ان الله عزیز حکیم

یعنی اگر تمام درختان بصورت قلم در آیند و هفت دریا یکی شود و امواج مرکب جاری گردد بازهم کافی برای توصیف کلمات خدا نبوده و خداوند مقتدر و حکیم است
آیه ۳۹ از سوره آل عمران خطاب بمریم میفرماید .

ذلک من انباء الغیب نوحیه الیک وما کنتم لدیهم اذ یلقون اقلامهم
ایهم یکفل مریم و ما کنتم لدیهم اذ یتخصمون

این اخبار از غیب بتو الهام شده است و در موقعیکه قلمها جهت استقراع برای انتخاب نگهبان و سرپرست مریم می انداختند تو آنجا و پیش آنان نبودی که شاهد و ناظر نزاع و کشمکش آنها بشوی .

یکی از نویسندگان عرب در وصف قلم چنین میگوید .

القلم احد اللسانین وهو المتخاطب للغیوب بسر اثر القلوب علی لغات
مختلفة من معان معقولة بحروف معلولة متباينات الصور و اختلافات الجهات لقاحها
التشکر و نتائجها التدریر تخرس مفردات و تنطق مزدوجات بلاصوات مسموعة
واللسن محدودة و لا حرکات ظاهرة خلا قلم حرف باریه قطته لیتعلق المداد
به و ارفه جانبیه لیرد ما انتشرعنه الیه و شق رأسه لیحتبس المداد علیه
فهناک استمد القلم بشقه و ثرفی القرطاس بخطه حروفا احکمها التشکر
و اولی الاسماع بها الکلام الذی سده العقل و الحمة اللسان و نهسته اللهوات
و قطعته الاسنان و لفظته الشفاه و وعته الاسماع عن انحاء شتی من صفات و اسماء
که معنی آنرا ذیلاً درج میکنیم :

قلم در حکم زبان ثانوی است سخنران اشخاص غایب است بمنظور تبلیغ مکنونات قلبی میباشد و این معنی با واژه های گوناگون و معانی خردمندانه و حروف ناجور و صورتهای متفاوت و جهات مختلفه رت سیگیرد نطفه اش فکر و ثمره و مولودش تدبیر است در حال تجرد گنگ و بی زبان و با آمیزش و نزدیکی ناطق و گویا میباشد بدون صدا شنیدنی است و سخنهایش نامحدود است خودش ظاهر و حرکاتش مستور است با وضع خاصی تراشیده شده قطش مرکب را بخود میگیرد و اطرافش باریک است که آنچه را که گرفته است مسترد دارد و اجد شکاف وفاق است تا از مرکبی که دارد استفاده نماید قلم از فاق کمک میطلبد روی کاغذ باشیوه خود حروف را ترسیم مینماید که موجب فکر و رساندن گفتار بگوشها باشد تار آن عقل و بود آن زبان است و دستگاه سخن پر اکنی آن زبانهای کوچک است و تقسیم کننده آن دندانها و ادا کننده آن لبها و ثبت کننده آن گوشها میباشد تا از مقاصد و مشربهای پراکنده که از صفات و اسماء بدست آمده استفاده گردد .

طریقه کشف جمل در عصر حاضر

ابن مهتر میگوید :

القلم مجهز لجیوش الکلام ، یخدم الارادة ، ولا یمل استزادة ، یسکت واقفا ، و ینطق سائرا ، علی ارض یاضها مظلم ، و سواد هامضی .
قلم تهیه میکند سیاه کلام را خدمتگذار انسان است از زیادی کار ملول و کسل نمیشود در حال سکون ساکت و در حال حرکت گویا میباشد بر روی زمین سفیدش تاریک و سیاهش روشنائی و نور است .

ابن حفص بن برداندلسی میگوید :

ما اعجب شأن القلم یشر بظلمة ، و یلفظ نورا !
درحیرتم از کار قلم که ظلمت و تاریکی را میتوشد و روشنائی را پس میدهد محمود احمد اصفهانی میگوید :

یری اسیرافی داوة و قد اطلق اقواما من الاسر

دردوات اسیر و زندانی دیده میشود که اقوام ملل را از قید اسارت‌ها و آزاد میکند ناپلئون بناپارت میگوید .

قلم و شمشیر دو اسلحه محبوب ملت فرانسه میباشد .
که عین عبارت او بزبان فرانسه ذیلاً نقل میشود

La plume et l'épée, voilà les deux armes favorites de la France .

یکی از شعرای فرانسه موسوم به هژ هژپ مورو (Hégésippe Moreau)

که از ۱۸۳۸ - ۱۸۱۰ میزیسته چنین میگوید :

Forgeron, laisse sur l'enclume
Le fer vengeur inachevé:
L'arme de siècle, c'est la plume,
Lever qu'Archimède a rêvé?
Ecrivons: quand pour la patrie
La plume de fer veille et crie

که ترجمه اش این است .

آهنگر آهن خونخوار و انتقامجوی خود را روی سندان بگذار
حربه این عصر منحصر بقلم میباشد قلم بمنزله اهرمی است که در نخیه و فکر
ارشمیدس در آمده است موقعی باید بنوشتن مبادرت نمایم که قلم آهنی
برای میهن دلسوزی و فریاد میکند .

سعدی که یکی از شعرای نامی جهان امروز بشمار میرود در کتاب بوستان
خود میگوید :

از دونوع مردم باید تقدیر وستایش نمود و آنها را پرورد و در رعایت احوال

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

آنان کوشا بود . یکی اهل رزم و دیگری اهل قلم یعنی اهل رای و تدبیر که عین اشعار او ذیلاً درج میشود .

دوتن پرورای شاه کشور گشای
ز نام آوران گوی دولت برند
یکی اهل رزم و دوم اهل رای
که دانا و شمشیرزن پرورند
هر آن کو قلم را نورزید و آبیغ
بر او گر بمیرد مگو ای دریغ

فردوسی که در نتیجه آثار قلمی خود روح شهامت و غیرت مردانگی را در ایرانیها تهییج و بعد از استیلای عرب با اسلحه فکر و تدبیر عظمت دیرینه و مفاخر ایرانرا تجدید کرد در تأثیر سخن و آزادی قلم و بیان و تعمیم دانش چنین میگوید :

قلم چون دورخ را بعنبربشت
به قرطاس بر نامه خسروی
چنان دان توای شهریار بلند
چو بر انجمن مرد خامش بود
سپردن بدانای گوینده گوش
شنیده سخنها فرامش مکن
چو خواهی که دانسته آید ببر
چو گسترده خواهی بهر جای نام
چو با مرد دانان باشد نشست
بدانش بود جان و دل با فروغ
سخنگوی چون بر گشاید سخن
ز گفتار گویا تو دانا شوی
ز دانش در بی نیازی مجوی
چو با دل زبانا بود راستی

سر نامه کرد آفرین از نخست
نویسنده بنوشت بر پهلوی
که از بد نبیند کسی جز گزند
از آن خامشی دل برامش بود
بتن توشه یابی بدل رای وهوش
که تاجست بر تخت دانش سخن
بگفتار بگشای بند از گهر
زبان بر گشای همچو تیر از نیام
ز بردست گردد سر زیر دست
بگر تا نگردی بگرد دروغ
بمان تا بگوید تو تندی مکن
بگوئی از آن پس کزو بشنوی
و گر چند از او سختی آید بروی
ببندد ز هر سو در کاستی

نقش قلم در کشف جعل

در نوشتن طرز نگاهداری قلم شرط است .

طرز نگاهداری قلم بستگی با عادت دارد .

طرز نگاهداری و فشار قلم تأثیری در قوت و سستی خطوط ترسیمیه دارد - عمودی و افقی گرفتن قلم مؤثر در طرز نگارش خواهد بود فشار به سر قلم و نوک قلم هم فرق میکند بعضی بطرف راست قلم بعضی بطرف چپ فشار می آورند و در بعضی دیگر فشار چپ و راست مساوی است .

سنگینی دست و درجه فشار در خط اثراتی باقی میگذارد بعضی افراد قلم را روی کاغذ میرقصانند و با یک حالت فیزی یا انعطافی عمل نوشتن را انجام میدهند برخی دیگر قلم در دستشان حرکت منظمی دارد و با وقار و ستانت کلمات و حروف را ترسیم مینمایند و آثار قلمی حکایت از قوت و ضعف دست و شتاب و عجله با ستانت نویسنده مینماید .

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

خطوط عده‌ای از اشخاص شکسته و ناقص است و ناشی از تشنجات و حالات عصبی آنان میباشد .

هرکس در اثر فشار و طرز نگاهداری قلم یک نوع خط روی کاغذ ترسیم مینماید یک قسمت از خط کمرنگ و قسمت دیگر پر رنگ و در قلمهای نئی این معنی کاسلاً مصداق پیدا میکند .

یک نوشته از عناصر مختلفه ساخته شده که بعضی از مشخصات مهم آن از اینقرار است :

۱ - ترسیم تمام حروف

۲ - روانی و سلاست

۳ - خوانائی

۴ - تندی و سرعت

۵ - استادی و هنر نمائی

۶ - خاسی خط

۷ - عدم مهارت

۸ - هم‌آهنگی و موزون بودن آن

۹ - سطر بندی و اندازه آن

۱۰ - نقطه گذاری

حرکات انگشت اعم از ابهام - سیابه - وسطی - بنصر و خنصر - حرکت دست حرکت مچ دست حرکت بازو - حرکت آرنج - حرکت ساعد و حرکت شانه تأثیر زیادی هر کدام و یا مجموع آن در طرز نگارش خطوط و کلمات دارد .

دو ایرت‌رسمیه اشخاصی که با مچ دست می‌نویسند بر اتمب کوچکتر از خطوطی است که بوسیله آرنج انجام میگردد .

اغلب از تشنجات حکایت از عدم مهارت نویسنده مینماید که پایه و اساس آن تردید و ظن میباشد که نتیجه آن استنساخ و تقلید است .

ناصافی خط حکایت از اعصاب غیر قابل کنترل نموده و یا معرف بی‌سوادی نویسنده آن میباشد .

تشنج عدم تساوی حرکات را در هر قسمت ایجاد مینماید و در قسمت جوهر و مرکب در بالا و پائین و کندی و سرعت و قطع حرکات تأثیر بسزائی دارد .

نوشته‌جات اشخاص دسوی (Sanguineux) باغمی (Lymphatique) صفاوی (Bilieux) سوداوی (Atrabilaire) باهم متفاوت است .

در موقع رسیدگی این نکات را باید در نظر گرفت و همچنین تشابه خطوط مورد رسیدگی را با اوراق مسلم‌الصدور که اساس تطبیق است و با کلیه اختلافات آن مورد توجه قرار داد .

عدم دقت بهر یک از این نکات و جهات مذکوره ممکن است موجب اشتباه و خطا

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

شود و اغلب این اشتباهات دامنگیر اشخاصی میشود که فقط افکار آنان متوجه تشابه خطوط بوده نه اختلافات آن در بادی امر باید خطوط و کلمات را که روی کاغذ است اندازه گرفت و با میکرومتر (ذره سنج) ابعاد آنرا معین نمود که آیا اندازه و تناسب این خطوط یکسان بوده و با یک قلم نوشته شده است و بوسیله یک شخص انجام گرفته و یا قلم و اشخاص آن متفاوت است و اندازه خطوط ترسیمیه قلم را نیز با تاریخ نوشته تطبیق و مقایسه نمود و در نظر گرفت که آیا در تاریخ تولد و تنظیم نوشته چنین قلمی وجود داشته است یا خیر زیرا نوشته هر عصر متناسب با قلم همان عصر و مولود همان قلمهایی است که در آن زمان وجود داشته است و سپس نویسنده آنرا در نظر گرفت که آیا اوراق مورد ظن با همان مهارت که در اوراق تطبیق بکار رفته انجام داده شده است و اگر عدم مهارتی کشف گردید قطعی است که اوراق مزبوره جعل بوده و بوسیله شخص یا اشخاص منتسب الیه تنظیم نگردیده است .

تغییرات و اختلافات خطوط در سوارد زیرین معلوم میگردد .

روابط حروف باهم - تناسب خطوط با یکدیگر - طرز تنظیم کلمات در ابتدا و انتهای نوشته - فشار قلم و درجات آن - سایه و رنگ جوهر و مرکب - وحدت شکل - کجی و انحنای حروف و دوایر آنها - زوایای حاده و منفرجه حروف - اندازه و توازن و هم آهنگی - لطف و شیوه خطوط - حالت طبیعی و تصنعی آن .

در نوشتجاتی که بوسیله قلمهای نئی انجام میگردد الحاق کلمات و سطوری بی نهایت مشکل است زیرا تراشیدن قلم روی مقیاس و اندازه صحیحی نبوده و هر فردی که قلم را میترشد نتیجه حاصله از آن تابع اتفاق میباشد و حتی برای کاتبی که کتابت یک کتابی را عهده دار است اگر درست دقت شود نمیتواند تمام کتاب را با یک قلم بنویسد و تفاوت تراش قلم تغییرات زیادی در نگارش کتاب خواهد داد همانطور برای جاعلین غیر مقدر است که بتوانند تراش قلمی که برابری با تراش قلم نوشته مورد الحاق نماید تهیه کنند و بادقت و توجه باین قبیل نوشتجات بخوبی مزور و مجعول بودن آن کشف خواهد گردید ولی نسبت بقلمهای آهنی و فلزات دیگر و یا قلمهای خودنویس از نظر بی بردن بنوع قلم و نمره و علائم کارخانه و غیره جعل و ساختن نوشتجات برای جاعلین و سندسازها از نظر قلم کار سهل و آسانی است ولی خوشبختانه سایر خصوصیات دیگر از قبیل سبک و شیوه و اسلوب چیز نویسی و غیره پرده از روی عملیات این قبیل اشخاص برداشته و آنان را در معرض پی کرد و کیفی قرار خواهد داد .

راست است که شیوه و سبک انگشت شمار میباشد و اصول هم همین حکم را میکند ولی شیوه های مختلفه بهزار شکل درمیآید و اختلاف خط بستگی با اختلاف اشخاص و انواع قلم دارد .

کارشناسان باید از کلیه سبکها و شیوهها و خطوط مختلفه و انواع قلمها اطلاعات کافی داشته و قادر بخواندن هر نوع خط و سبکی باشند .

هنوز در کشور ما مجموعه ای از خطوط و سبکها و شیوه های مختلف در دست نیست و کسی تاکنون ب فکر جمع آوری نبوده است .

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

مرحوم داور وزیر اسبق دادگستری شیوه مخصوصی داشت که هر کس در اولین نظر قضاوت میکرد که خط داور است و کلمات و حروف را گرد و مدور مینوشت و این شیوه اختصاص بشخص او داشت زیرا هر یک از خطوط معرف صفات و خصایل مخصوصی است که نویسندگان دیگر فاقد آن میباشند.

حروف القباء فارسی اول آخر وسط مفرد و مرکب آن بصور مختلفه نوشته میشود و هر کس نسبت به نگارش این حروف سبک و روش خاصی دارد و اغلب از این شیوهها مبتکرات شخصی بوده و از دیگران اقتباس نشده است ترکیب کلمات با رعایت شیوههای مختلفه یک خط مخصوصی را ایجاد نموده که نمیتوان کلیه این خصوصیات را در دیگران جستجو نمود.

این تغییرات گوناگون است که هویت هر نویسنده را تسجیل و تثبیت مینماید و برای تقلید کنندگان آن محال است که کلیه خصوصیات و مبتکرات و مقتضات را که فردی در سنین عمر خود بدست آورده است روی کاغذ از طریق ارادی ترسیم نماید.

اگر به مجموعه خطوط که واجد تغییرات واضح و روشن میباشد ملاحظه کنیم توجه ما فوراً به نکات زیر معطوف میگردد:



۱ - طرح نمونه

۲ - اندازه

۳ - نسبت

۴ - کجی

۵ - رنگ

۶ - قوت

۷ - قناسی و گوشه دار بودن خط

۸ - مدور و گردی آن

۹ - هنرمندی

۱۰ - امتداد خط و آثار قلم

موقعی که این تغییرات گوناگون وشگفت انگیز را مورد نظر قرار دهیم بهخامی - ناشی گری - استادی - خوانائی - ذوق - لطف - بی مزه گی و بی لطفی - پهنی - باریکی - درازی - کوتاهی - گردی - قناسی - بزرگی و کوچکی آن بی می بریم.

جاعل کسی است بنخواهد عادات دیرینه خود را از دست بدهد و عادات دیرینه دیگری را اقتباس نماید و این بسیار دشوار و مشکل و حتی محال خواهد بود.

نامه های بی امضاء و امضاهای مستعار

چون یکی از افراد جعل نامه های بی امضاء و یا با امضاهای مستعار میباشد اینک به بحث جعل از نظر قلم و سایر خصوصیات جاعلین و طرز نگارش آنان در قسمت کاغذ پرانیها که بمنظور تصفیه حسابهای خصوصی و فدا کردن مصالح عمومی برای مصلحتهای شخصی

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

و منافع فردی و یا برای ایجاد تشویش و مشوب کردن اذهان عامه صورت میگیرد. زیرا از نظر فقر اخلاقی و سوء تربیت و اصطکاک منافع خارجیها باین نوع عملیات مبادرت نموده و ایجاد زحمت برای مردم مینمایند و به شئون حیاتی و اعتبارات آنان لطمه وارد آورده و خسارت جبران ناپذیری متوجه آنان میگردد و جای آن دارد که شهربانها و سازمانهای ارتشی صلاحیتدار و سایر مراجع قانونی دیگر به این قبیل نامه ها رسیدگی نموده و پس از احراز صحت و سقم قضایا متخلفین را مورد تعقیب قرار دهند تا کاملاً باب کاغذ پرانی مسدود گردیده و از این راه به اخلاق عمومی کمک شود و صدور این قبیل نامه ها موجب قتل نفس - انتحارهای زیاد - تفریق خانواده ها و بدبختی و تیره بختی افراد و جامعه میگردد و موجد اختلالات اجتماعات سیاسی - مذهبی - فرهنگی و خانوادگی خواهد بود.

سفه - جنون - تهدید - سرقت اطفال - حریق - قتل - حقد و حسد - کینه توزی - آز - شهوت - رقابتهای نامشروع - از عواملی هستند که صدور این قبیل نامه ها را ایجاب مینمایند. قوانین و مقررات پستی تمام کشورهای عالم جلوگیری از اشاعه این قبیل اوراق نموده و دولت هم با وسایلی که در دست دارد باید از اشاعه آن جلوگیری نماید. تحقیق در اطراف هویت صادر کنندگان و کشف این قبیل نامه ها پسه وجه صورت میگیرد:

۱ - تهیه صورتی از اسامی کاغذ پرانها و افراد هتاک و مفتری و ساعی و نامم و مضمون باین اعمال.

۲ - مطالعه و دقت محتویات نامه ها و بررسی آن .

۳ - تطبیق کلیه نوشتجات نویسندگان مختلف با نامه هائی بی امضاء از نظر کشف حقیقت .

اقدام اول باید بوسیله افرادی انجام گیرد که عارف و آشنا به تمام کیفیات قانون و محیطی که این نوع خطوط از آن صادر میگردد بوده باشد.

همانطور که در فوق اشاره شد هدف و علت صدور این قبیل نامه ها از خود این اوراق پیدا میشود و این امر گاهی سهل و آسان و گاهی دشوار و مشکل و گاهی هم محال بنظر میرسد.

کشف سبب و محرک این نامه ها زمینه را غالباً برای کاغذ پرانیها تنگ تر نموده و باعمال آنان خاتمه میدهد و گاهی هم اتفاق می افتد که بواسطه پوچ و بی اساس بودن آن سبب و محرک آن مجهول باشد.

امتحان کامل نامه های بی امضاء از نظر مکاتبه و رسانیدن خبر به منظور کشف جهات زیرین صورت میگیرد:

۱ - هدف مستقیم و غیرمستقیم نامه ها از نظر آزار و اذیت و باج سییل و تهدید

و غیره .

۲ - علت صدور نامه ها به منظور حسادت - رقابت - آز و حرص - خشم و غضب .

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

- ۳ - تعلیم و تربیت نویسنده از نظر فصاحت و بلاغت - انتخاب کلمات و واژه‌ها نلفیق جملات - نقل قول - مبتکرات و مقبسات.
- ۴ - تعیین جنس نویسنده - از روی کلمات - جملات کوتاه . سبک تحریر و خط که آیا مرد است یا زن.
- ۵ - تشخیص شغل و حرفه و موقعیت اجتماعی و معتقدات سیاسی و مذهبی و ایده‌نولوژی نویسنده‌گان از روی مندرجات نامه‌ها و کاغذها.
- ۶ - تعیین میزان رشد فکری و ذوق و تمایلات نویسنده.
- ۷ - تشخیص مشوش و ناموزون بودن افکار نویسنده از تکرار - تأکیدات - بدگویی و ناسزا - وقاحت و بی‌شرمی - سخنان نامربوط که من حیث المجموع کاشف طرز فکر و ساختار دماغی و روحیات او میباشد.
- با ترکیب و در نظر گرفتن کلیه این عوامل میتوان بخوبی استنتاج نمود که هویت نویسنده چیست و معرف نوع تربیت - هوش - مشرب - خوی - مزاج - تجربه - شغل - سن - نژاد و درجه احساسات نویسنده میباشد.
- علل و جهاتی که موجب تکوین و پیدایش این کاغذها و صدور این نامه‌ها میگردد عبارتند :
- ۱ - بدست آوردن پول از طریق تهدید ۲ - عشق ۳ - رشک ۴ - حسد ۵ - بی‌اعتنائی و قصور از آداب معاشرت ۶ - رقابت اجتماعی - نژادی - سیاسی و مذهبی ۷ - ترقیات بطبی ۸ - عدم رضایت از مزد ۹ - انفصال از خدمت ۱۰ - بازنشستگی ۱۱ - عیب جوئی ۱۲ - انتقاد ۱۳ - رقابتهای خانوادگی ۱۴ - اختلافات خانوادگی ۱۵ - اختلافات جنسی ۱۶ - کسالت و امراض گوناگون ۱۷ - میل به آزار و اذیت .
- گاهی هم اتفاق می‌افتد که صدور اینگونه نامه‌ها و اوراق مبتنی بر اطلاعات و اخبار صحیحه بوده باشد .
- افرادی که هدف اینگونه آماجها قرار گرفته‌اند میتوانند به تعقیب اشخاصی که مورد ظن آنان است مبادرت نمایند زیرا از نوشتجات بخوبی میتوان حدس زد که خطوط مورد ظن منتسب به چه اشخاصی میباشد و در صورت توجه به این موضوعات و کیفیات کشف نویسندگان این قبیل نامه‌ها کار سهل و آسان خواهد بود علت مکتوم داشتن امضاء از طرف صادرکنندگان این قبیل نامه‌ها این است که پرده از روی اعمال آنان برداشته نشود ولی غافل از اینکه کلیه خصوصیات و هویت نویسنده از سطور کلمات و نوشتجات او ظاهر و هویداست و بمنزله آئینه‌ایست که چهره نویسندگان در آن باتمام اوصاف خود نمایان خواهد بود .
- گرچه کم و کیف - زمان و مکان و تمام اعراض جسمانی از نشانه تشخیص هویت اشخاص هستند و در عدد اعراض عامه بشمار رفته و از این مقولات سهمی دارند ولی در افراد خصوصیات و چیزهای دیگری است که نمودار کامل آنان صرف نظر از ظرف

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

زمان و مکان و عوارض جسمانی میباشد و وسیله شناسائی ذات و هویت نویسندگان خواهد بود و باید به رموز و دقایق این نکات کاملاً آشنا شده تا پرده از روی حقیقت برداشته شده و به خلاف حقیقت این نامه های مجعول و بزور کاملاً واقف و آشنا گردند. در مواد و موضوع این نامه ها جهات زیر را باید در نظر گرفت :

مواد و موضوع

- ۱ - اصطلاحات فنی و مقصود و معانی آن .
- ۲ - زن و مرد بودن نویسنده .
- ۳ - تعیین مراجعه به اشخاص و محل های سکونت و حرفه آنان .
- ۴ - نکات مهمه موضوع نامه ها و مفاد آن .
- ۵ - تعیین منظور از تنظیم نوشته .
- ۶ - هیجانان زیاد روحی - ناسالمی - ترهات .
- ۷ - حسادت .
- ۸ - دفاع از خود
- ۹ - آزار - اذیت - رنجش - نفرت - غضب و کینه .
- ۱۰ - القآت نفسانی - پند و اندرز - تهدید

طرز نگارش

نگارش نامه نویس از نظر ادبی بر طبق جهات زیرین باید مورد بررسی قرار گیرد.

- ۱ - لحن نامه ۲ - طرز بیان ۳ - طرز فکر ۴ - طرز استدلال از نظر منطقی
- ۵ - تأکیدات ۶ - بیان جعل و قضایا و استنباط و نتیجه آن ۷ - اغراق - سیانه روی - احتیاط
- ۸ - تعقیب و دنباله آن ۹ - ذکر کلمات غیر مأنوس ۱۰ - انتخاب کلمات ۱۱ - انتخاب صفات
- ۱۲ - تعیین محل و تغییرات آن ۱۳ - شدت و ضعف انشاء - ۱۴ - مخالفت قیاس ۱۵ - تلفیق الفاظ
- ۱۶ - تلفیق معانی - ۱۷ - حشو کلام - ۱۸ - اطناب و ابیجاز کلام ۱۹ - انشاء و اسلوب ابتکاری یا رسمی ۲۰ - نزاکت - ادب - خشونت ۲۱ - مطلع ۲۲ - مقطع - ۲۳ - تزیین - ۲۴ لحن آمرانه - چاپلوسی - تملق - مداهنه ۲۵ - سواد و بی سوادی ۲۶ - ظرافت و خشونت ۲۷ - عبارات زیبا - خوش تعارفی - سادگی و بی آلاشی ۲۸ - ایضاح بعد ابهام
- ۲۹ - رشاققت ۳۰ - سبک خارجی ۳۱ - تنافر کلمات ۳۲ - تعقیدات لفظی ۳۳ - تعقیدات معنوی .

اشتباهات از نظر نویسنده

اشتباهات و خطیئات نیز معرف نویسنده میباشد و نکات زیرین را در این قبیل موارد در نظر باید گرفت :

- ۱ - املاء ۲ - خطوط درشت ۳ - نقطه گذاری ۴ - سطر بندی ۵ - عناوین
- ۶ - مفرد و جمع ۷ - تذکر و تأنیث ۸ - حالت ۹ - ضمیر مرجع ۱۰ - فعل فاعل ۱۱ - صیغه افعال ۱۲ - زمان افعال ۱۳ - افعال معلوم و مجهول ۱۴ - ضمایر و صفات ملکی

۱۵ - سهو و ازقلم افتادگی ۱۶ - نوشتن بین دو سطر ۱۷ - حاشیه رفتن ۱۸ - تراشیدن ۱۹ - تکرار ۲۰ - تقریر و بیان امر مسلم و یا غیر حقیقی .

جاعلین هر قدر تمرین نمایند نمیتوانند این کیفیات و خصوصیات را تغییر دهند . نامه‌های بی‌اسماء معرف‌ملیت - سن - شغل و درجه آموزش و پرورش نویسنده است . اصل مهم دیگری که باید مورد توجه و دقت واقع شود تا به کشف سرتکبین اینگونه جرایم قادر گردند این است که نویسنده خط خود را غیرطبیعی نشان داده و صورت آنرا تغییر میدهد ولی با تمام این کیفیات نمیتواند نوشته یا نامه‌ای تنظیم نماید که خصوصیات و شیوه خود را مکتوم نموده و اسلوب خود را تغییر دهد و آنرا بدیگری نسبت دهد زیرا خطوط تغییر داده شده با کندی نوشته شده و خام دستی و عدم مهارت نویسنده را کاملاً اثبات خواهد نمود .

علاوه بر نکات و جهات مذکوره در فوق افرادی اعم از اداری و قضائی هم که متصدیان کشف این قبیل امور هستند باید دارای شخصیت باشند تا بتوانند تکالیف و وظایف خود را در کمال آزادی انجام دهند .

شخصیت و وجدان و ضمیر پاک و اطلاعات بسیط این افراد ضامن شخصیت دیگران و حیات اجتماع خواهد بود .

وجدان هادی و پیشوای زندگی است .

یکی از قضات انگلیسی میگوید :

The Conscience is the guide of our life.

Nothing in our lives can be more important than that we should attend to the voice of conscience, and obey it; disobedience to it means the ruin of our lives.

که ترجمه اش این است

وجدان راهنمای حیات ما است - در زندگانی ما بهتر از وجدان چیز دیگری نیست ما باید همیشه منتظر صدای وجدان خود باشیم و از آن اطاعت نماییم - سرپیچی از آن بستگی با خرابی و اضمحلال جان و حیات ما دارد

در زبان آلمانی مثلی است که میگویند

وجدان خوب در حکم بالش شیرین و راحتی است که ذیلاً عین این مثل

درج میشود .

Ein gutes Gewissen ist ein saftiges ruhes Kissen.

اطلاعات محدود برای کشف حقیقت کافی نبوده و برای نیل بحقیقت امور و قضایا باید اطلاعات وسیعه داشته باشیم تا موفقیت از هر حیث و از هر جهت نصیب ما گردد .

کاوور (Cavour) که یکی از رجال و سیاستمدار ایتالیا است میگوید :

معلومات ما نباید محدود باطلاعات محیط ما باشد دانستن آداب و رسوم ملل دیگری برای کشف حقیقت ضروری است که عین عبارت او ذیلاً نقل میشود :

Gli usi, i costumi, il modo di vivere dei differente popoli, offrono un vasto campo di osservazioni, da cui caviamo sempre qualche vantaggio.

که معنای آن این است : آداب و رسوم و عادات و اخلاق ملل مختلفه میدان و محیط بزرگی برای مشهودات و ملاحظات ما باز نموده و همیشه منافع و مزایای بیشماری متوجه ما خواهد نمود .

حال باید دید شخصیت چیست :

شخصیت عبارت از مجموعه صفات و کمالاتی است که در فردی موجود و با اطلاعات بسطی که در کار و حرفه و شغل خود دارد بتواند از روی وجدان و آزادی عمل وظائف خود را انجام دهد .

غرائز و نفسانیات دشمن شخصیت میباشد و آنرا غالباً کور کرده و از بین میبرد - فرد بی شخصیت نمیتواند آنچه را که هست ببیند و اشیاء را بصورت دیگر غیر از صورت حقیقی آن میبیند .

چشم ها و شیشه های عینک های خود را با نیروی علم و فن عوض کنید تا چهره حقیقی دنیا در آن منعکس شود . حب و بغض و حسادت و کینه و غضب حجاب فهم میباشد .

تضادت درباره نزدیکه مورد علاقه و محبت ما است در نظر ما و اجذکلیه مزایای جسمی و روحی بوده و حال آنکه فاقد آن مزایا و دارای شرارت طبع و شرارت نفس میباشد آنها را با هوش نمایش داده در صورتیکه احق و ابله میباشد و برعکس تضادتی که پایه و اساس آن کینه و بغض باشد هر موجود خوبی را بد و معیوب جلوه میدهد .

جاه طلبی و حب مقام انسان را وادار بانجام هر عمل مینماید و تن بهر گونه اعمال سفالت آمیزی میدهد و اعمال پست و زشت و زبان آوری از او سر میزند تا مطلوب خود را دریابد و معشوق خود را در آغوش کشد

قمار و الکل و مواد مخدره نیز رنگها و الوان غلطی را در نظر ما جلوه گر میسازد که ما آنرا بهشت مصنوعی می نامیم و اینگونه اعمال کاملاً نطمه بشخصیت ما میزند -

غضب ما را گمراه نموده و دچار اشتباهات زیادی مینماید و ما را از جاده عدالت خارج میکند .

تمام غرائز و نفسانیات و مهلکات چشم حقیقت بین ما را کور کرده و اشتباهات و خطاهائی برای ما ایجاد مینماید

این غرائز ما را احتکار میکند زیرا سر پای وجود ما در قبضه و تسلط آنان است قدرت و اختیار را از ما سلب خواهد نمود

در این حالت انسان مملوک میشود نه مالک مغلوب او میشود و صفت غالبیت از او سلب میگردد در زندگانی مظفر و منصور نخواهد شد راکب بر هوسرانیهای خود نبوده

طریقه کشف جعل در عصر حاضر

و مرکوب او میگردد . ما را از نظم و قاعده بیرون میآورد . طبیعت و خصال ما را تغییر میدهد و ما را بطرف فنا و نیستی سوق خواهد داد .

شهوآت نفسانی نه فقط بمعنویات ما لطمه وارد آورده بلکه جسم ما را نیز ضعیف و زیون ساخته و اعصاب ما را خراب کرده و تعادل جسمی ما را از دست ما گرفته و خسارات جبران ناپذیری متوجه ما میسازد و ما را از شخصیت خارج کرده و مانند اشیاء در دست این و آن بوده و مورد استفاده آنان قرار میگیریم .

این مهلکات و ذمائم اخلاقی که آفت شخصیت است در نتیجه سه عامل مهم که اراده - همت و تناسب با محیط دنیای کنونی است از بین رفته و ما را از این حالات تأسف آور و نکبت بار نجات میدهد .

بیانید با این روش حالات عصبی و روحی خود را تنظیم نمائید .

کوشش کنید عواملی که راه ترقی و سعادت شمارا مسدود نموده است بر طرف نمائید و نگذارید شخصیت شمارا غلیل و رنجور نمایند .

بدبختی و بیچارگی از خود ماست مستند به افعال دیگران نمیباشد.
مثلی است در انکلیسی که میگوید

هر کس معمار بخت و طالع خویش است

Every person is architect of his own fortune.

یکی از شعرای ایرانی میگوید

هر چه از فلک رسد نبود سر نوشت ما يك يك بود نتیجه اعمال زشت ما
باید بملك تحم تمدن فشانند و رفت شاید کسی شود متمتع ز کشت ما
هر چیز که برخلاف اصول و قاعده باشد دیر یازود محکوم بزوال
خواهد بود .

چنانچه فردوسی میگوید

هر آن چیز کاودورگشت از پسند به آن چیز نزدیک باشد گزند
امید است که در این محیط به شخصیت اهمیت داده و اشخاص را برای کار
تهیه نمایند نه کار را برای اشخاص و از این قارچهای سمی که نتیجه هر رعده
و برقی است امید و انتظاری نباید داشت .

از اطانه کلام و تصدیع معذرت خواسته و اگر عمری بود و توفیقی حاصل شد در
شماره آینده از عوامل دیگر جعل از نظر علمی و قضائی بحث خواهیم نمود .

(بقیه دارد)